



# انقلاب تک نفره

محمدشاهد چرخکار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

تنهایی اعتراض کرد و شنیده شد؟ آیا امکان دارد رسانه ها مطالبه ای آدم تنهایی را اعتراض جمعی از دانشجویان به فلان موضوع تیر بزنند؟ خیر! شما در جایگاهی قرار گرفته اید که می تواند مبدأ تحولات یا خنثی ترین جایگاه ممکن نسبت به اتفاقات جامعه باشد. دانشگاه مهم ترین فرصت برای اثرگذاری است. اثرگذاری ای به دامنه های حاکمیتی. جایی است که می توانید انتقاد کنید و جواب بگیرید. کجا با این برد به شما فرصت و امکان مطالبه گری می دهد؟ شما می توانید بخوانید، بدانید و حرف بزنید. اگر شما، نخبگان این کشور، مردم را آگاه نکنید این امر را که برعهده گیرد؟ خدا داند. فارغ از دین و مذهب آیا غیر این است که متفق القول من و شما اعتقاد داریم دانشجوی، جزئی از قشر نخبگانی جامعه است؟ پس برای ایفای این نقش هیچوقت می توان تنها گام برداشت؟ مسلماً خیر. پس تصمیم با شما. این شماست که تعیین می کنید چه مقدار تأثیر گذار یا اثر پذیر باشید ما همراه شما هستیم. با ما همراه باشید.

شاید اگر ناپلئون بناپارت انقلاب فرانسه را یا جوزف استالین انقلاب ۱۷۸۹ شوروی را به تنهایی رقم می زدند عنوان این نوشته به انقلاب جمعی تغییر پیدا می کرد. اگر کوهنوردان برای صعود به قله دیگر با طناب خود را به هم دیگر وصل نمی کردند این متن به قلم تحریر در نمی آمد. ذات انسان به نحوی خلق گشته که طبعاً اجتماعی به دنیا بیاید و اجتماعی زندگی کند. با نگاهی به جامعه نیز این امر قابل فهم است. رشد انسان در جامعه پدیدار می شود. در معرض نقد بودن نقد پذیری می آورد و مقایسه کردن هوالمطلوب و واقع است که روح را نقاد می کند. گیاهان گلخانه ای نسبت به گیاهان صحرایی مقاومت کمتری دارند. چرا؟ زیرا مواجهه ای با مخاطرات ندارند و ضعیف می مانند اما گیاه صحرایی خیر! انسان نیز برای فهم و درک شرایط روبرویی با اتفاقات نیازمند اجتماعی بودن و اجتماعی زیستن است. اگر انسان نفهمد که نمی داند کی برای فهمیدن قدم بردارد؟ علاوه بر اینها آیا می توان به

## کلام امام

تشکل های دانشجویی فرصتی هم برای دانشجو ایجاد میکنند برای کار دسته جمعی. و من به کار دسته جمعی اعتقاد دارم و این را یک نیاز دانشجو میدانم؛ کسب مهارتهای گوناگون؛ مهارتهای سیاسی، اجتماعی.

۱۳۸۷/۹/۲۴



mostaghelatu  
دانشگاه علامه طباطبائی



## زیر این پست از تجربیاتتون برای ورودی های ۱۴۰۱ بگین

19



اولین کاری که به دانشجوی زنگ می کنه اینه که میره و ۱۰ گیگ اینترنتشو درست می کنه از سایت دانشگاه!... از اینترنت دانشجوییتون هم درست استفاده کنین. اون اینترنت لامصب برای فیلم دانلود کردن نیست.

اگه قراره تو خوابگاه آسایش داشته باشین علاوه بر اینکه هم اتاقی های خوبی انتخاب می کنین؛ ظروف و لوازم آشپزی همراه خودتون بیارید تا جمعه و ایام تعطیلی تلف نشید.

برای خودتون نظام شهرداری خوابگاه راه بندازید. یعنی چی؟ یعنی برنامه بنویسید که هر روز چه کسی یا چه کسانی موظف به کار کردن هستن (از قبیل غذا گرفتن یا درست کردن و تمیز کردن اتاق و شستن ظروف و...) برای اینکه دعوا نشه عادلانه تقسیم کنید. با قرعه انداختن روز و فردشو انتخاب کنید.

دو واحد استاد شناسی پاس کنید تا چم و خم راه دست تون بیاد. تنها راهش هم دوستی با دانشجویهای سال بالایی ها هست.

جدید ورودها از من به شما نصیحت ترم یک سریع نرید کتابهایی که اساتید معرفی کردند رو بخريد. چون آخر ترم به عالمه کتاب رو دستتون غم باد می کنه. خلاصه که صبوری پیشه کنید.

یکی از پیش شرطهای موفقیت هرکسی، توانایی کار جمعی و گروهیه. حتماً توی دانشگاه، کار گروهی بکنید. از همدیگه یاد بگیرید و به همدیگه یاد بدید. موفقیت بقیه، موفقیت شماست.

انتخاب واحدتون رو خیلی منطقی انجام بدین! یعنی نه خیلی واحد زیاد بردارین که موقع امتحانات اذیت بشین نه خیلی کم که سال تحصیلیتون طول بکشه در حد معقول انتخاب واحد کنین که اذیت نشین.



برای اینکه هزینه هاتون توی رفت و آمد به نصف برسه از کارت متروی دانشجویی استفاده کنید. طبقه ثبت نامشم اینجوریه که به سایت بلیط تهران مراجعه می کنید و بعد ثبت نام به یکی از ایستگاه های متروی گفته شده میرین و کارتتون رو تحویل میگیرین. اینجوری به ازای هر پنج تومن شارژواستون ده تومن شارژ محاسبه میشه و کللاللی به نفع تونه.



۴۸ ساعت طلایی رزرو غذا تو سامانه رو فراموش نکن. (چهارشنبه و پنجشنبه) توی گوشی واسش یادآوری بزارید تا یادتون نره. اگه خودت نمی رسی اینکارو انجام بده به یکی از رفقا که نام کاربریت و رمزت رو داره بسپر تا واست بگیره. البته خیالتون راحت! اگر یادتون رفت غذای آزاد دانشگاه رو بگیرین که نسبت به کیفیتش هزینه خیلی کمتری پرداخت می کنین.

قیمتای تهران نسبت به شهرهای دیگه خیلی بالاتره!!! پس برای خریدن کتاب معرفی شده توسط استاد یه سری به دستفروش های میدون انقلاب زده یا از تبادل کتاب بخرین یا خیلی زنگ باشین و بعد از معرفی استاد برید و زود از کتابخونه امانت بگیرین تا توی خرج نیوفتین! البته قرض گرفتن از سال بالاییام فکر خوبیه...

از طرفی نباید فقط درس بخونین؛ دانشگاه محل فعالیت های دیگه دانشجوییم هست که بقیه جاها محلش نیست.

چون یخچالها مشترک همراقب باشید اشتباهی وسایل بقیه رو بردارید تا اشتباهی وسایل شما برداشته نشه.

کارشناسی دوره طلایی دانشجوییه. به مرکب از همسفرهای خوب می تونه این سفر ۴ ساله رو تبدیل به بستری برای رشد همه جانبه بکنه پس فعالیت تو تشکل ها رو فراموش نکنید.

اگر به دنبال سیر مطالعاتی و حلقه مطالعاتی مفید و پر بار هستید به دفاتر انجمن اسلامی دانشجویان مستقل مراجعه کنید.

استفاده از اسنپ مارکت از نون شب برا دانشجو واجب تره.

یه سری اردوهای تفریحی، زیارتی، علمی، تشکیلاتی و... تو دوران دانشجویی برگزار میشه. پیشنهاد من به شما اینه که از دست شون ندید!!! بعد از چهار سال نظیر شون پیدا نمی کنید.

برای رشد و خودسازی درون خودتون فضای داخل دانشگاه رو جدی بگیرید و نهایت استفاده رو ببرید.

یه سری میزگرد، کرسی های آزاد اندیشی، سخنرانی اساتید مطرح، کارگاه های آموزشی مرتبط با رشته تون برگزار میشه. از دستشون ندید.

مشکلاتی که توی دانشگاه باهاش برخورد می کنین مته دیر یا زود اومدن سرویس یا کیفیت غذا و هرچیزه دیگه ای به گوش ما برسونین تا واستون پیگیری کنیم. اصن یکی از کارای ما اینه که این مشکلات رو واستون پیگیری کنیم و حلش کنیم. نگران نباشین هستیم کنارتون.

## چیزند و پیریه لغت نامه

مرحوم علی اکبر دهخدا در واپسین لحظات عمر خویش، نامه ای را تحت عنوان پیوست فرهنگ لغت کدخدا نزد اینجانب به امانت گذاشت تا پس از رحلتش به آن اثر فاخر ضمیمه کنم. پس؛ این حرفای من نیست؛ من فقط بهشون نظم دادم، که شنیده شه. برگرفته از یه نامه. یه غروب، یه غروب (۷ اسفند ۱۳۳۴) نامه ای از اکبر. به نام خدا عزیزم سلام یکم بی حال و مریضم الان... خب، خب، خب... ترمز! و اما اصل مطلب **دانشگاه:** نه به معنای محل دانش، بعضاً دانش، گاهاً دانش، مبدأ تحولات، (منزل مامان جون خانه اول، مدرسه خانه دوم، دانشگاه خراب شده سوم) **دانشگاه علامه طباطبائی (ره):** توش المیزان تفسیر نمیشه، مطهری و بهشتی ازش فارغ التحصیل نمیشن. **دهکده المپیک:** ده کوره المپیک، بهشتی در ناکجا آباد **واحد آموزش:** دلسوزتر از مادر! با احترام وارد شوید **خوابگاه:** جای هر کاری به جز خواب، دلیل آلودگی هوای تهران **سلف:** با هر عقل سلیمی حساب کنی ۴۵۰۰ ت همیشه **هم اتاقی:** هندوانه ای سر بسته، عشق و نفرت **استاد:** همه کاره، عزت و ذلت دست اوست! **مسجد دانشگاه:** خواب مؤمن عبادته **نهاد رهبری:** السلام علیکم و رحمه... و برکاته، خلبانان... ملوانان **دانشجو:** مکبر جامعه **امتحان:** در طول ترم کمتر خربزه بخورید! **سالن امتحان:** دباغ خونه

اصن مرکب، چرند، پرت و پلا، حرف مفت، مهمل



غذای دانشجویی از ۳۵۰۰ به ۶۰۰۰ تومان رسید، یعنی رشد ۷۰ درصدی

سید حسین هزبه، دانشکده اقتصاد





## صدا، دوربین حرکت

هلایا خراسانی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی

ماجرای قریب الوقوع یک روز دانشگاه

دیگر هست که به نظرم باید به زانو و کمر درد یه سلام و علیکی بکنی. یا حتی شاید توی یه ساختمان دیگه باشه که در این صورت پیشنهاد می‌کنم از شب قبل رختخواب هم همراهتون باشه چون دیگه نایی برای برگشت به خونه یا خوابگاهتون ندارین. بعد از مواجهه با شلوغی چشمگیر نوبت شما میشه. با درود بی‌پایان که اینجا چه دانشگاهیه، کلی هندونه گندیده زیر بغل شما می‌فرستن بری از کارنامه ریز نمرات پیش دبستانی تا برگه ترخیص بیمارستان پدر بزرگت کپی بگیري به حدی که جوهر پرینتر خشک بشه. یه چیزی هم گوشه و کنار ذهنت یادت باشه اما به کسی نگو چون رازمون بر ملا میشه؛ در صورتی که دوست یا والدینت پشت درهای بسته منتظر بودن تا زنده برگردی، اونا رو هم با خودت داخل بیار. از زور ایستادن توی صف‌های طولانی که آخرش غیر از نذری که نمیدن باید چقدر پول هم بدی، غش نکنی. وقتی مدارک رو تحویل دادی یهو یادشون میفته که یه کپی

سلام هم دانشگاهی! امروز تو یه خلبان توانمندی که بعد از یه سفر سخت تونستی به بزرگترین دانشگاه علوم انسانی خاورمیانه فرود بیای. از جاذبه‌های گردشگری اینجا هر چی بگم کم گفتم؛ پارک‌هایی هست که دست کمی از جنگل‌های آمازون نداره. به حدی که می‌تونسی مزه‌هاشون رو با قرمه‌سبزی‌های دانشگاه تجربه کنی. بریم که یک روز خوب رو با هم تجربه کنیم. قبل از اینکه ماجراهای امروزت رو شروع کنی یا وارد دانشگاه بشی می‌خوام یه نکته دوستانه بهت بگم. از نگاه ممتد حراست متعجب نشو، چون واهمه دارن که یه وقت خدایی نکرده نفوذی باشی و بخوای دانشجویها رو ترور کنی. در کل خیلی روی ماهما حساس اند. جلوی دانشکده‌ها ممکنه افرادی جهت خوش‌آمد گویی برای شما حضور داشته باشند، پس نصیحت‌ام رو به خاطر بسپار و به حرفشون گوش کن. به طور معمول، واحد آموزش شما طبقه اول یا طبقات

## هشدار برای کبری ۱۴۰۱

فوت‌های کوزه‌گری نفوذ به حیطة استحقاقی آموزش

مریم رجبی، دانشکده‌ی ادبیات

بدون شک، اولین جایی که سروکله‌ی هر دانشجویی به اونجا می‌افته، حوزه استحقاقی آموزشه. آموزش و ما ادراک آموزش؟ از ریزترین امور ثبت‌نام بگیر تا گل‌درشت‌هایی مثل انتخاب واحد، همشون به مکان زحمتکشی به نام آموزش مربوطه؛ اگه تو این فکری که اینجا با پیغام و پیغام کارت راه بیفته، سخت در اشتباهی! چون از همین الان باید بندای کفشتو محکم ببندی و طی‌الارضی به وسعت دانشگاه رو توی برنامه‌ها قرار بدی. اینم بدون که ادب و احترام با کمی چاشنی بله‌قربان، تسریع‌کننده‌ای حیاتی برای به‌ثمررستن خواسته‌های یه دانشجوی زیرک‌ه.

### توقف بی‌جا؛ مانع تنفس

قانونی که بر اتمسفر فضای دانشگاه حکومت می‌کنه، هر خواسته، ساعتیو، هر گله جایی داره. شما حساب کن وقتی که گوشی موبایل هم نیاز به استراحت داره، کابینه رئیس دانشگاه و سلسله منصوب‌شدگان از سمت ایشون که وقت سر خاروندن هم ندارن، نباید دو دقیقه آرامش داشته باشن؟! خدایی هشت صبح اصلاً!!!!!! وقت مناسبی برای هم‌کلام شدن با خادمین ملت نبوده، نیست و نخواهد بود. مشاهدات کثیری از زبده‌های این عرصه و تجربه‌های عملی و فیزیکی قلیلی دیگر شایان ذکر است. نقل شده ثانیه‌هایی بعد از بالا اومدن و بندوز ملت، زمان صرف ناهار و نیز لحظات نزدیک‌شدن به اتمام ساعت کاری، چندین کشته و زخمی در پی داشته. ولی اگه به ظرایف زندگی کارمندی واقفی، احتمالاً در جریانی که حوالی ده صبح و بعد صرف ناهار، طلایی‌ترین زمان‌ها برای مطرح کردن وام ازدواجه... نه نه امور دانشجویی.

### هیس؛ دانشجو فریاد نمی‌زند

بعد کلی دنگ و فنگ که تونستی وارد سامانه به ظاهر گلستان و به باطن شکنجه‌گاه روح دانشجو بشی، تازه می‌رسی به یه بیابون بی آب و علف که فقط چهارتا تابلو راهنما داره برای اینکه از چاله تو چاه نیوفتی. اینجاست که می‌فهمی گرسبیر کنی ز سامانه گلستان به ناکجاآباد رسی اما می‌رسی. ماشاء... که از لحاظ کندی و سرعت لاک‌پستی هم در این زمینه به چندین مدال طلا و نقره دست یافتیم و به حول و قوه الهی به مرتبه خودکفایی رسیدیم. فرش قرمز سامانه گلستان رو اینجا برات پهن کردیم.



### امان از خون‌جگری بی‌احدا

دانشجویی که دونه نباشد، دانشجو نیست! (آنتوان کریمی) از بدیهیات دانشگاه اینه که بدونی ماهیت انتخاب واحد، انتصاب واحده ولی باز یه عده دلشونو صابون می‌زنن به یوم‌الاضطرار انتخاب واحد تا جای این حلقه مفقوده رو توی زندگی‌شون حس نکنن. اما از بد روزگار و طی اخبار واصله از مرکز رصد دانشجویان، سرعت عمل سلاطین سکه و ارز کم بود؟! انتخاب واحد هم اضافه شد آن چنان که سرعتشون بدجوری طعنه به سرعت نور می‌زنه. راستی یه سر به اینجا بزن تا بفهمی انتخاب واحد بامهو انتخاب واحد یعنی چی؟



### فرآیند انتخاب واحد

اگه یه وقت زبونم لال از روز انتخاب واحد جا موندی، خونسردی خودتو حفظ کن چون هنوز یه برگ برنده داری



### فرآیند حذف و اضافه

اگه یه وقت زبونم لال از روز انتخاب واحد جا موندی، خونسردی خودتو حفظ کن چون هنوز یه برگ برنده داری



### ماراتن امتحانات پایان ترم

توی دانشگاه، وقت و زمانی که دانشجو از تنها سرمایه‌اش (بخوان عمر) می‌داره، خیلی خیلییییییییی مهمه و با ارزش؛ این شد که در راستای احیای حقوق دانشجو، از بالا دستور دادن که توی ۱۰ روز، فقط ۱۰ روز، سروته امتحانارو هم بیارن تا بساطش جمع بشه و دانشجو جماعت یه نفس راحت بکشه فلذا اگه به نسبت واحدهایی که برداشتی، همتو روزافزون کنی و توی چشم‌انداز یه ترم بت بزاری که ممکنه توی یه روز ۲ یا ۳ تا امتحان فشرده نصیبت بشه، تو دیگه یه دانشجوی فوق‌العاده‌ای. پس تا حالا باید حجت برات تموم شه که پایان ترم، فرجه‌ای برای درس خوندن و قبول شدنه چون همه چیز که درس نیست خواهرم! همه چیز که کتاب نیست بردارم! پس برای فهمیدن اون مابقی، به همه بخش‌های نشریه یه سرک بکش.



### اینم تقویم آموزشی دانشگاه که از ضروریات دونه‌ستش

این‌ها آمو رشد می‌داد. ما در اونجا فعالیت‌هایی رو انجام می‌دادیم که رشد تو تمام ابعاد زندگی یک دانشجو رو به همراه داشت. به طور مستمر و هفتگی تو جلسه‌ای به اسم حلقه مطالعاتی یک کتاب از کتابای رهبر انقلاب رو می‌خوندیم و با هم بحث می‌کردیم. دو هفته یکبار جلسه نشریه می‌گرفتیم و موضوعات سیاسی، فرهنگی و صنفی انتخاب می‌کردیم. بعد هر کدام از بچه‌های داخل جلسه موضوعاتی رو که انتخاب شده بود می‌نوشتن و به همین شکل با مسائل مختلف جامعه و دانشگاه آشنا می‌شدیم و قلممون قوی می‌شد. کار علمی و هر دانشکده متناسب با رشته‌های تحصیلی موضوعی و مسئله‌ای را در سطح کلان دنبال می‌کردن. با استادی دانشکده جلسه می‌گرفتن. سر موضوع تو کلاس با بحث را می‌انداختن و بعد که در آن موضوع به یک نتیجه مشخصی می‌رسیدن از مسئولای مربوطه‌هاش در سطح حاکمیتی مطالبه می‌کردن. کم کم با این مجموعه همراه شدم. در دانشگاه هم بیشترین ارتباطم با این مجموعه بود و بعد از آن دوست داشتم هم‌کلاسی‌ها و دوستای خودم رو وارد این گروه کنم. باهاشون صحبت‌های فراوانی کردم ولی می‌گفتن که بذار کارمون رو بکنیم، درسمون را بخونیم؛ زودتر این ورق‌پاره را بگیریم و مثلاً دنبال کاری بریم! و نمی‌دونستن منافاتی با هم نداره. من هم بعد مدتی بی‌خیالشون می‌شدم. در مجموع باید بگم که دوران دانشجویی‌ام و حضور در چنین مجموعه‌ای جزو بهترین لحظات عمرم بوده است.

## ماراتن دانشگاه

محمدصادق عباسی، دانشکده‌ی ادبیات

تازه دانشگاه قبول شده بودم. روز اولی که وارد اونجا شدم، حس کردم وارد یه مرحله‌ی جدیدی از زندگی شدم و دیگه اون آدم قبلی نیستم. برخلاف حسم، مثل بقیه‌ی دانشجویها و هم‌کلاسی‌هام سخت درس می‌خوندم، مرتب کلاس‌های دانشگاه رو می‌رفتم و مشارکت فعالی در این کلاس‌ها داشتم. دنبال این بودم که کنار درس، کاری پاره وقت هم داشته باشم و به همین روال می‌گذشت. کم کم با دانشجویانی آشنا شدم که علاوه بر اینکه تو همین محیط دغدغه‌ی دین هم داشتن، سعی می‌کردن روی محیط خودشون اثر فکری و روانی بذارن و فعال باشن. می‌دیدم فعالیتشون نه تنها باعث میشه که از درسشون غافل بشن بلکه تو درس هم نمونه بودن. تو کلاس‌هاشون حضور فعال داشتن و حتی حضورشون در این مجموعه بهره‌وری در یادگیری درسی‌شون رو بیشتر می‌کرد. تازه علاوه بر این، آدم رو تو سایر عرصه‌های دیگه کارآمد می‌کرد. من قبل از ورود به این فضا، آدمی خجالتی و نسبتاً منزوی‌ای بودم؛ ولی حضور در این جمع و کار کردن کنار همدیگه منو به یه آدم اجتماعی تبدیل کرد. چیزی که باعث شد انگیزه‌ام برای موندن در اینجا دوچندان بشه. بچه‌هایی بودن که بدون توقع اون چیزی رو که قبلاً یادگرفته بودن، به بچه‌های دیگه یاد می‌دادن. یعنی همون صفا و صمیمیت؛ که در این جمع وجود داشت.

ما علاوه بر این موارد، تفریح می‌کردیم، با هم اردو می‌رفتیم، ولی تو همین تفریح رفتن هم کلی چیز یاد می‌گرفتیم. مثلاً یاد می‌گرفتیم چجوری میشه یک اردوی دانشجویی با تعداد بالا برگزار کرد یا مثلاً تهیه غذا رو به عهده گرفت و



## چرند و پرنده

کتاب درس:

ای کاش بقیه ۵۰۰

صفحه‌اش هم به روونی

مقدمه و پیشگفتارش بود.

واحد درسی: اتفاقاً اصل توحید

درش رعایت نشده

هیئت علمی: اعزّه‌ای که قطعاً علمی

هستند اما هیئتی نه لزوماً!

پایتخت علوم انسانی: تختگاه، بازی با

کلمات

کلاس درس: هرگز حدیث حاضر غایب شنیده‌ای؟

جزوه: کار رو باید داد دست کار بلدش، سبب‌ساز

امرخیبر، سبز و سفید و قرمز

استاد حل تمرین: کاتولیک‌تر از پاپ، (دانشکده

اتوکشیده، خوابگاه شلوارک هاوایی)

محوطه دانشگاه: شانزلیزه

حذف و اضافه: مثل دوران نامزدی می‌مونه

انتخاب واحد: انتصاب واحد

سالن مطالعه: خالی از سکنه

کارت دانشجویی: رمز شب، استوری خورش

بالاس

سامانه گلستان: خبری از گل نیست، البته

چرا، دست گلای خودت رو می‌تونسی رویت

کنی

ترم اولی: ترمک، خام‌اندیش، هپروتی،

خندان

انجمن اسلامی دانشجویان

مستقل: پیگیری تا حصول

نتیجه



### صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل

دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

مدیرمسئول: علیرضا بهرامی سردبیر: زهرا پلوئی

ویراستار: شاهد چرخکار

هیئت تحریریه: مهدیه احمدی، شاهد چرخکار، هلیا

خراسانی، مریم رجبی، محمدصادق عباسی، محمدصادق

صبری، سیدحسین هژبری

صفحه‌آرا: بهارسادات شیخ‌الاسلامی